با علی فتح‌الله‌زاده سرپرست این روزهای آبی‌های پایتخت

استقلال و پرسپولیس نباید تا ابد درجا بزنند

اشاره

علی فتح‌الله‌زاده برای استقلالی‌ها نامی آشنا به حساب می‌آید، چه در مدیریت باشد و چه نباشد. مردی که امروز سومین دوره حضور مدیریتی‌اش را در راس باشگاه استقلال تجربه می‌کند و گرچه تصریح دارد که تلاش کرده مدیران دیگری را برای احراز این پست جلو بیندازد، اما به هر حال فتح‌الله‌زاده آدمی نیست که هیچ موقع به تعارف مدیریت استقلال دست رد بزند، ولو به قول خود در شرایط سخت ودشوار. او مجموعه استقلال را خوب می‌شناسد و حتی زمانی نیز که در باشگاه حضور نداشته، امور مربوط را به خوبی رصد کرده است تا در هنگامه تغییرات مدیریتی، نامش بر سر زبان‌ها بیفتد. او که با قول تامین ۵۰ درصد از هزینه‌های استقلال، حکم سرپرستی باشگاه را از علی سعیدلو دریافت کرده، هیچ غمی از بابت تامین این ۵ میلیارد تومان اضافه بر تخصیص همین مبلغ از سوی سازمان تربیت بدنی ندارد و معتقد است که در داخل کشور می‌توان با مدیریتی خوب بخش خصوصی را راغب به مشارکت و سرمایه‌گذاری در تیم‌هایی چون استقلال و پرسپولیس کرد. هر چند که باید دید پروژه ۵۰ ـ ۵۰ علی فتح‌الله‌زاده و سازمان ورزش در میدان عمل چه فرجامی خواهد داشت، اما به هر حال این مدیر با تجربه درست می‌گوید که هر مدیری که در راس دو باشگاه استقلال و پرسپولیس قرار می‌گیرد باید حداقل ۴ سال مسوولیت داشته باشد تا تمام افکار و ایده‌هایش را بی کم و کاست به مورد اجرا بگذارد. البته برای انجام هر کار بزرگی نیاز به ابزار و امکاناتی است که فتح‌الله‌زاده نیز از آنها غافل نیست و برای همین نیز هست که با توجه به زیرساخت‌های باشگاه‌های اروپایی تاکید می‌کند که همین الان نیز می‌تواند از عهده مدیریت باشگاهی چون بایرلورکوزن آلمان برآید.

رضا پورعالی ـ علی رئیسی / گروه ورزش

دیگر بعد از این همه سال عادت کرده‌ایم که ببینیم هر بار با سلام و صلوات فتح‌الله‌زاده را می‌آورند و بعد از چند صباح، دوباره او را کنار می‌گذارند. به عنوان کسی که سال‌ها در باشگاه استقلال کار کرده‌اید و بهتر از هر کس دیگر با چالش‌های مدیریتی باشگاه آشنا هستید، علت این جابه‌جایی‌های مکرر را در چه می‌دانید؟

مشکل عمده ما این است که ورزش را سیاسی می‌بینیم. این که یک نگاه سیاسی در ورزش حاکم باشد در نوع خودش بد نیست، اما سیاسی کردن ورزش تبعات زیادی دارد. در واقع شاکله آدم‌هایی مثل من سیاسی نیست و ما فقط به قصد خدمت کردن به مملکتمان می‌آییم، به همین خاطر هست که در برخی مواقع حضور ما مفید تشخیص داده می‌شود و در برخی زمان‌ها نیز نه. اینجاست که ورزش ما از بابت این جابه‌جایی‌های مکرر لطمه می‌خورد. ما هیچ وقت اجازه ندادیم یک مدیر فرصت کافی برای بروز توانایی‌هایش داشته باشد. به طور کل ما تعریفی از مدیریت نداریم، چون علم ورزش می‌گوید اگر می‌خواهید ببینید مرز توانایی‌های یک مدیر چقدر است باید حداقل ۴ سال به او فرصت داده شود.

فرصتی که به کمتر مدیر ورزشی در ایران داده شده است...

دقیقا! برای روشن شدن موضوع به دوره قبلی مدیریتم در استقلال اشاره می‌کنم. ۳ سال پیش که من به استقلال آمدم، اوضاع باشگاه چگونه بود؟ تیم تقریبا متلاشی شده بود و ۱۵ ـ ۱۴ بازیکن در آستانه جدایی از باشگاه بودند. در عوض تنها اجازه جذب ۶ بازیکن لیگ برتری را داشتیم و من ناچار از بازیکنان لیگ دسته اول استفاده کردم. ما سال سختی را پشت سر گذاشتیم ولی با وجود تمام مشکلات قهرمان جام حذفی شدیم. با این حال انتقاد از عملکرد تیم به واسطه سیزدهم شدن در لیگ آنقدر زیاد بود که کسی به قهرمانی ما بها نداد. سال بعد من تیمی ساختم که به گفته بسیاری از کارشناسان پتانسیل قهرمانی داشت، اما در همان هفته چهارم مرا کنار گذاشتند و تیمی که من بسته بودم قهرمان شد. دوباره الان ببینید کی آمدم؟ زمانی که ۱۴ بازیکن از تیم رفته بودند. چه بسا اگر آدمی مثل من برای جمع و جور کردن تیم استقلال داوطلب نمی‌شد، این تیم در پایان فصل به دسته پایین‌تر سقوط می‌کرد.

شما که یک سری مولفه‌های مدیریتی برای خودتان دارید و به قول معروف با اصول مدیریتی آشنا هستید، چطور به یکباره قبول کردید در این شرایط بحرانی برای سومین بار مدیریت باشگاه را بپذیرید؟

همین آقای رئیسی (خبرنگار جام‌جم) ۳ سال پیش از من پرسید براساس کدام اصل مدیریتی برای بار دوم به استقلال برگشتید؟ من در جواب گفتم اگر از روی منطق، عمل و اصول مدیریتی می‌خواستم تصمیم بگیرم، مسلم بود که نباید برمی‌گشتم. ولی وقتی به علاقه‌ات نگاه می‌کنی و دلی تصمیم می‌گیری راهی جز بازگشت جلوی پای شما نیست. واقعیت این است که این بار هم، من برای نیامدن به باشگاه استقلال خیلی پافشاری کردم و چندین بار با یکی از دوستانم که اتفاقا در باشگاه استقلال مدیریت کرده بود نیز در این مورد صحبت کردم و از وی خواستم که وی قبول مسوولیت کند.

منظورتان آقای قریب است؟

البته دوستان دیگری هم بودند، اما من به شخصه با دکتر قریب خیلی در این مورد صحبت کردم، اما در یک لحظه دیدم که باشگاه استقلال حالتی بحرانی به خود گرفته است و هواداران استقلال با تجمع جلوی ساختمان باشگاه خواهان خروج تیمشان از وضعیت پیش آمده هستند.

شاید باور نکنید، اما من در عرض ۳ روز نزدیک به ۲ هزار پیامک داشتم و ۲ بار گوشی‌ام را خالی کردم تا بتوانم پیامک‌های دیگری را دریافت کنم. اینها عواملی است که باعث می‌شود آدم برای بازگشت به استقلال و خدمت به این هواداران دلسوز همه اصول مدیریتی‌اش را زیر پا بگذارد.

به دفعات آزمایش شده‌اید و هر بار به نوعی شما را پس زده‌اند. اصول مدیریتی می‌گوید اگر مدیری ۲ بار از جایی کنار گذاشته شد، برای بار سوم باید تضمینی وجود داشته باشد که این بار به سرنوشت دفعات قبلی دچار نشود... شما با چه تضمینی برای سومین بار به استقلال آمدید؟

من هم تضمین‌هایی گرفته‌ام، اما متاسفانه در اینجا هیچ تضمینی معتبر نیست و کسی به وعده خودش عمل نمی‌کند.

برای موفقیت در سومین دوره حضورتان در باشگاه استقلال چه تضمینی می‌خواهید؟

۴ سال فرصت. من می‌گویم برای یک بار هم که شده بیاییم به مدیری ۴ سال فرصت بدهیم تا مشخص شود چند مرده حلاج است. در این صورت اگر آن مدیر موفق نباشد، حداقلش این است که دیگر حوالی فوتبال آفتابی نمی‌شود و خانه‌نشین می‌شود. ولی متاسفانه در فوتبال ما وقتی شرایط یک تیم آرام و خوب است کار به افراد کارنابلد سپرده می‌شود و برعکس زمانی که وضعیت تیمی بحرانی می‌شود از مدیران توانا می‌خواهیم که آستین بالا بزنند و تیم را از بحران خارج کنند. با این شیوه نه آن افراد کارنابلد محک می‌خورند و نه پتانسیل مدیران توانمند به چشم می‌آید. همین امسال مگر من چقدر برای بستن تیم فرصت داشتم؟! آن هم در شرایطی که بسیاری از بازیکنان کلیدی تیم رفته بودند. در چنین شرایطی و در حالی که فقط چند روز برای بستن تیم فرصت هست، چگونه می‌توانستم از کیفیت بازی بازیکنان خارجی مطمئن شوم. ما با ۲ برزیلی قرارداد بستیم، اما همین روزنامه شما اگر مشخص شود این برزیلی‌ها بازیکنان با کیفیتی نیستند طبق رسالتی که دارد ما را به هدر دادن پول بیت‌المال متهم می‌کند.

اینها را می‌گویید تا اگر ۲ بازیکن برزیلی جدیدتان مثل دیکارموی پرسپولیس از آب درآمد، مورد انتقاد قرار نگیرید؟

نه! من می‌خواهم بپرسم اگر شما جای من بودید چه می‌کردید؟ من چه کار باید بکنم وقتی فرصتی برای گرفتن تست فنی و پزشکی از بازیکنان جدید ندارم؟ تازه بازیکنان خارجی هم مدعی هستند که مثل بازیکنان ما ۲ ماه خورده و خوابیده‌اند و اگر در شرایط مطلوبی قرار ندارند به دلیل تعطیلی فصل فوتبالی بوده است. اینها را گفتم تا در جریان بخشی از سختی‌های کار مدیریت در باشگاه بزرگی چون استقلال قرار بگیرید و بپذیرید که اصلی‌ترین رکن موفقیت یک مدیر یا یک مربی تضمینی است که برای کار او وجود دارد. مگر کاپلو در جام جهانی ۲۰۱۰ نتیجه گرفت؟ مارادونا هم همچنین؟ اما هم انگلیسی‌ها و هم آرژانتینی‌ها قرارداد مربیان خود را تمدید کردند. به این خاطر که آنها فهمیده‌اند اگر می‌خواهند نتیجه بگیرند باید ثبات مدیریت داشته باشند.

یکی از مشکلاتی که همیشه در استقلال و پرسپولیس گریبانگیر مدیران این دو باشگاه بوده بدهی‌های قبلی است. حتی یکی از دلایلی که در برکناری شما تاثیرگذار بود همین بحث داشتن بدهی بود.

مدیریت قبلی باشگاه در یک فصل ۶ میلیارد از سازمان تربیت بدنی پول گرفت، اما من در تمام ۲ دوره قبلی فقط یک میلیارد و ۸۰۰ هزار تومان از سازمان گرفتم. آیا این ارقام با هم قابل قیاس است؟ با این حال شما تراز مالی دوره مدیریت من را با تراز مالی برخی دیگر از دوستان مقایسه کنید تا مشخص شود فتح‌الله‌زاده زمانی که رفت چقدر بدهی داشت و آنها با چقدر بدهی رفتند. متاسفانه طوری شده که هر کس بر مسند ریاست باشگاه استقلال می‌نشیند می‌گوید من بدهی نداشتم و بدهی مدیریت قبلی را داده‌ام. با این شرایط هیچ فرقی بین مدیر قوی و ضعیف وجود ندارد و دیگر مشخص نیست چه کسی تراز مالی‌اش مثبت است و چه کسی فقط بدهی روی دست باشگاه می‌گذارد. در این میان باید یکی بیاید اسناد و مدارک را بررسی کند تا مچ آنهایی که خلاف واقع می‌گویند گرفته شود. من به شما اطمینان می‌دهم هیچ مدیری به اندازه من توان درآمدزایی در استقلال نداشته. این را آمار و ارقام می‌گوید و هر کس که ادعایی خلاف این دارد من حاضرم با او دور یک میز مباحثه کنم. درآمدزایی من به مراتب بالاتر از بقیه بود. الان هم با همین پشتوانه کاری آمده‌ام. روزی که به دفتر سعیدلو رفتم او از من خواست نیمی از هزینه‌های باشگاه را من تامین کنم و نیمی از آن را سازمان تربیت بدنی بدهد.

فتح‌الله‌زاده:

دوستی من و امیر قلعه‌نویی محفوظ است، اما رقابتمان هم جای خود قرار دارد. به همین خاطر من بیشترین پاداش را برای پیروزی استقلال مقابل سپاهان خواهم داد، حتی بیشتر از پیروزی بر پرسپولیس در دربی

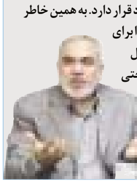

این توافق روی چند میلیارد تومان صورت گرفت؟

حداکثر ۱۰ میلیارد تومان که معادل بودجه سال گذشته استقلال است. بر این اساس قرار شد ۵ میلیارد تومان را سازمان تربیت بدنی بدهد و ۵ میلیارد تومان هم من خودم تامین کنم.

یعنی واقعا برای بستن این فصل استقلال، ۱۰ میلیارد تومان هزینه کرده‌اید؟

ببینید ما اگر می‌گوییم تیم را با ۱۰ میلیارد تومان بسته‌ایم دو حالت بیشتر ندارد؛ یا بیشتر از این مبلغ خرج کرده‌ایم که مازادش را باید از جیب خودمان بدهیم یا کمتر از این هزینه کرده‌ایم که به نفع سازمان می‌شود، اما واقعیت این است که ما و پرسپولیس امسال براساس همان توافقی که با سازمان داشتیم تیم‌هایمان را بسته‌ایم و پولی برای بیشتر هزینه کردن نداریم. این در حالی است که برخی تیم‌ها امسال تیم‌هایشان را با ۱۵ و ۱۶ میلیارد تومان بسته‌اند.

این طبیعی است چراکه در چند سال اخیر همیشه تیم‌های صنعتی شرایط مالی بهتری نسبت به استقلال و پرسپولیس داشتند، اما همین ۱۰ میلیارد تومان هم می‌تواند بسیاری از مشکلات استقلال را در شروع دوره مدیریتی شما برطرف کند...

با نظر شما مخالفم. یک زمان شما مدیرعامل استقلال می‌شوید در حالی که مدیر قبلی با تمام بازیکنان قرارداد ۲ ساله بسته است و شما هیچ دغدغه‌ای ندارید. یک زمان هم شما را مدیرعامل می‌کنند در شرایطی که ۱۴ بازیکن تیم رفته‌اند و فرصت چندانی برای بستن تیم وجود ندارد. این دو شرایط کاملا با هم فرق دارند. من در حالی برای سومین بار مدیریت باشگاه استقلال را قبول کردم که بازیکنان فصل گذشته بابت قراردادهایشان ۲ میلیارد و هفتصدهزار تومان از باشگاه طلبکارند. این خیلی سخت است و من با این شرایط تیم استقلال را برای فصل ۸۹ بستم. در این میان عده‌ای که نمی‌توانند به پست و مقامی در باشگاه برسند، شروع به انتقاد از ما می‌کنند و اصلا اجازه نمی‌دهند بازی‌ها شروع شود و بعد شمشیرهایشان را از رو ببندند.

یکی از بحث‌هایی که با مدیریت کلان در استقلال و پرسپولیس سنخیت دارد، همین بحث خصوصی‌سازی این دو باشگاه است. آیا واقعا آن عزم جدی برای خصوصی‌سازی این دو باشگاه مردمی وجود دارد و آیا واقعا سختی‌های واگذاری این دو تیم به بخش خصوصی مانع تحقق این رویا می‌شود؟

هیچ سخت نیست. شما همین الان هر چقدر از سهام باشگاه منچستر یونایتد را که می‌خواهید، بگویید تا من همین امشب برای شما بخرم. سهام رئال مادرید، آرسنال، چلسی و هر تیم دیگری را هم که می‌خواهید بگویید در کمتر از ۲ ساعت از طریق اینترنت آن را می‌خرم و می‌شود برای شما. البته استقلال و پرسپولیس شرایط خاصی دارند، اما نباید این گونه تعبیر شود که آنها مجبورند تا ابد به همین شکل درجا بزنند. من خودم یکی از کسانی بودم که پیشنهاد دادم ۶۰ درصد از این دو تیم را به بخش خصوصی واگذار کنید و ۴۰ درصد آن را در اختیار سازمان تربیت بدنی قرار دهید. از ۵ نفر هیات مدیره هم ۳ نفر نماینده بخش خصوصی باشند و ۲ نفر نماینده سازمان. باید اجازه داد که در دو تیم پرسپولیس و استقلال ثبات ایجاد شود. این دو باشگاه واقعا گنج هستند و اگر مدیریت پایدار در آنها حاکم باشد چنان درآمدزایی خواهند داشت که علاوه بر تامین هزینه‌هایشان به زیرساخت‌های خود نیز کمک خواهند کرد. چرا باید تیمی که در اروپا کمتر از ۲۰ هزار تماشاگر دارد، سالانه ۱۵۰ میلیون یورو درآمد داشته باشد، اما ما با ۲۰ میلیون هوادار همیشه کاسه گدایی دستمان باشد؟ من به شما قول می‌دهم اگر فتح‌الله‌زاده یا هر مدیر دیگری ۴ سال فرصت حضور در باشگاه داشته باشد، این باشگاه را به خودکفایی خواهد رساند.

شما از ثبات مدیریت حرف می‌زنید اما با وجود ۳ بار حضور در راس باشگاه استقلال، هنوز هم تضمینی وجود ندارد تا پایان نیم فصل اول مدیرعامل باقی بمانید! آیا این بار هم با سپردن دل به دریا، آستین بالا زده‌اید؟

مطمئن باشید با حمایت رئیس سازمان تربیت بدنی قبول مسوولیت کردم، اما برخی مواقع این حمایت هم نمی‌تواند کارساز باشد. ما در باشگاه استقلال خودمان برای خودمان دشمن‌سازی کرده‌ایم. وقتی ۲ سال فتح‌الله‌زاده مدیرعامل می‌شود، ۲ سال اولیایی، ۲ سال غریب و ۲ سال آشتیانی، خب معلوم است که این نفرات وقتی از مدیرعاملی کنار می‌روند هر کدام ادعایی دارند و همین موضوع باشگاه استقلال را شقه‌شقه کرده و به ایجاد چنددستگی در رسانه‌ها و سکوی ورزشگاه‌ها منجر شده است. این کاری است که خودمان با خودمان می‌کنیم. حرف من این است که باید یک باشگاه را به یک تیم مدیریتی داد و از آن حمایت کرد. خود آقای سعیدلو هم شاید موافق این نظر باشد ولی وقتی فضای باشگاه استقلال توسط خانواده این باشگاه و پیشکسوتانش ملتهب می‌شود، برای او هم چاره‌ای باقی نمی‌ماند جز ایجاد تغییر در مدیریت.

برای درآمدزایی در باشگاه استقلال حتما برنامه‌هایی هم دارید...

بله! باید برخی زیرساخت‌ها را تغییر داد. رئال مادرید برای هر بازی یک میلیون و صدهزار دلار درآمد به دست می‌آورد، ما با هوادارانی بیشتر از رئال مادرید از هر بازی چقدر درآمد کسب می‌کنیم؟ علت این است که ساختارسازی نکردیم. ۱۰ سال پیش من از مسوولان ورزش خواستم قسمتی از ورزشگاه را به من واگذار کنند تا با نصب صندلی، گیت و جایگاه مخصوص در آن شرایط بهتری را برای حضور هواداران فوتبال مهیا کنم، اما آن زمان به من گفتند خودمان قصد انجام چنین کاری را داریم. الان ۱۰ سال از آن زمان می‌گذرد اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. این که ما ورزشگاه‌هایمان را به صندلی‌های شماره‌دار مجهز کنیم ابتدایی‌ترین کار ممکن است. متاسفانه اراده‌ای برای انجام چنین کارهایی در فوتبال ما نیست. الان اداره باشگاه بایرلورکوزن برای من به مراتب آسان‌تر از اداره باشگاه استقلال است. زیرا آنجا آنقدر پول و نیروی کاری هست که من مدیرعامل فقط کافی است برنامه‌ریزی و طراحی کنم. اما اینجا در استقلال باید پول تهیه کنم، ناز بازیکن را بکشم، ناز سرمربی را بکشم، مواظب باشم کسی حاشیه‌سازی نکند و...

اما فقط سهم اندکی از درآمدزایی در باشگاه‌های بزرگی چون استقلال به بلیت فروشی معطوف می‌شود... شما یک هیات مدیره قوی هم می‌خواهید که بتواند با خودش برای استقلال پول بیاورد.

دقیقا همین طور است. من بارها گفته‌ام برای مدیریت در استقلال نیاز به یک ریال کمک دیگران ندارم، فقط به این شرط که اجازه بدهند خودم اعضای هیات مدیره را معرفی کنم. من آدم‌هایی را می‌شناسم که هر کدام می‌توانند یک میلیارد تومان برای باشگاه درآمدزایی کنند.

اما چه فایده که کسی به این خواسته من توجه نمی‌کند. در عوض آدم‌هایی را به هیات مدیره می‌آورند که اصلا درک درستی از مسوولیتی که به آنها محول شده ندارند و هیچ کمکی هم نمی‌توانند بکنند. تمام نگاهشان هم به کمک‌هایی است که سازمان تربیت بدنی می‌کند و به این موضوع توجه ندارند که سازمان آنها را برگزیده تا پولسازی کنند.

شما که معتقدید کسانی را می‌شناسید که می‌توانند میلیاردها تومان پول برای استقلال بیاورند، آیا نفرات پیشنهادی خود را برای حضور در هیات مدیره جدید باشگاه به سعیدلو معرفی کرده‌اید؟

من هنوز بحثی پیرامون هیات مدیره باشگاه استقلال با آقای سعیدلو نداشتم، اما اگر قرار باشد روی این موضوع جدی شویم حتما پیشنهاداتم را به رئیس سازمان تربیت بدنی ارائه خواهم کرد. واقعیت این است که ما برای هیات مدیره استقلال فقط به ۲ عضو فوتبالی نیاز داریم و بقیه نفرات باید کسانی باشند که توانایی در آمدزایی و پول آوری داشته باشند. در غیر این صورت باز هم حاشیه‌ها گریبانگیر ما می‌شوند چرا که نیاز اول استقلال و پرسپولیس در بحث باشگاه‌داری، پول و درآمدزایی است.

تجربه نشان داده فتح‌الله‌زاده گاهی مواقع منفعت استقلال را با احساسی که به برخی اطرافیانش دارد، عوض می‌کند. شما در دوره اول مدیریت‌تان مظلومی و پورحیدری را از استقلال کنار گذاشتید و الان مجددا از آنها در کادر فنی استقلال استفاده می‌کنید. شما چه پاسخی برای این انتقاد دارید؟

ببینید اگر واقعا احساس من این گونه بود باید از ناصر حجازی هم در کادر فنی استفاده می‌کردم. حسن روشن هم اعجوبه فوتبال ماست و با توجه به علاقه‌ای که به او دارم باید از او هم استفاده می‌کردم. اما من همیشه منفعت استقلال را به خواست قلبی‌ام ترجیح داده‌ام. شما اگر کارنامه مرا در تعویض مربیان بررسی کنید به این نتیجه خواهید رسید که هر دو باری که من در اواسط فصل مربی عوض کرده‌ام به قهرمانی رسیده‌ایم. این نشان می‌دهد با تعویض مربی، از تصمیم اولیه خودم صرف‌نظر کرده‌ام تا با آمدن مربی دیگر، استقلال به منفعت برسد. علتش هم این بوده که هر بار به پتانسیل تیمم برای قهرمانی واقف بودم ولی شرایط و جو ممکن به گونه‌ای پیش رفته که مربی من دیگر آن توانایی لازم را برای اداره تیم نداشته است. خب من اگر می‌خواستم احساسی برخورد کنم هر دو بار تا پایان فصل پای مربی استقلال می‌ماندم و از او حمایت می‌کردم.

اما در مورد مظلومی و پورحیدری که اشاره کردید آن زمان که ما از این دو بزرگوار استفاده کردیم پورحیدری سرمربی بود و مظلومی مربی. الان آن شاگرد تبدیل به استاد شده و ما فرمان هدایت تیم را به مظلومی داده‌ایم که در این سال‌ها در هر تیمی بوده کارنامه قابل قبولی از خود به جای گذاشته است. در عوض در پست مدیر فنی استقلال از پورحیدری استفاده کردیم که سال‌ها سمت استادی را یدک می‌کشد. احساس کردم تلفیقی از تجربه و جوانی این دو می‌تواند همدلی خوبی در نیمکت استقلال ایجاد کند.

اصولا چرا باشگاه‌های ما نتوانستند رابطه خوبی با پیشکسوتانشان داشته باشند؟

نمی‌خواهم زیاد به این بحث ورود کنم اما شاید یکی از دلایلش این باشد که خود پیشکسوتان هم غالبا با هم مشکل دارند و سخت است اگر بخواهیم چند پیشکسوت را دور یک میز جمع کنیم.

در هر صورت فتح‌الله‌زاده به عنوان یک مدیر با سابقه ورزشی باید آستانه تحملش بالا باشد و نه این‌که با کوچکترین ناملایمتی بگوید دیگر حاضر نیستم از ناصر حجازی در استقلال استفاده کنم... این تیتری بود که هفته گذشته از شما در روزنامه‌ها خواندیم.

شما آن تیتر را خواندید اما نمی‌دانم خود مصاحبه را هم مطالعه کردید یا خیر. در آن مصاحبه خبرنگار به من گفت آقای حجازی گفته من دو بار از فتح‌الله‌زاده ضربه خوردم و دیگر حاضر نیستم برای بار سوم از او ضربه بخورم که من هم در جواب گفتم اگر ناصر حجازی چنین نظری دارد ما این بار از او استفاده نخواهیم کرد تا دیگر از طرف ما متحمل ضربه و آسیب نشود. در هر صورت علی‌رغم این که ناصر حجازی به ما کم لطفی می‌کند ولی باز هم دوستش دارم و دوست ندارم از دست من ناراحت باشد.

از کمپ باشگاه استقلال چه خبر؟ شما ۳ سال پیش کلنگ آن را به زمین زدید و حالا با گذشت این مدت، ظاهرا قصد دارید این کار نیمه تمام را به سرانجام برسانید. آیا واقعا این کار شدنی است؟

ببینید ما در تهران و شهرستان‌ها یکسری زمین با کاربری ورزشی و فرهنگی داریم که در اختیار سازمان زمین شهری قرار دارند. شرط تملک این زمین‌ها هم این است که اول دور آنها دیواری کشیده شود، دوم، تعدادی دوش و رختکن در آنها نصب شود و سوم یک زمین ورزشی در آن ساخته شود. خب من اصلی‌ترین و پرهزینه‌ترین بخش کار را با کشیدن یک دیوار بتونی ۲ متری در اطراف زمین مورد بحث انجام داده‌ام و فقط کافی است برای ساخت زمین فوتبال اقدام کنیم تا ناظران سازمان زمین شهری سند این زمین را به نام باشگاه استقلال بزنند. زمین فوق ۷۰ میلیارد تومان ارزش دارد، اما مدیران قبلی این ۳۰ هزار متر زمین را به امان خدا رها کردند و حالا وظیفه من است که این کار نیمه تمام را به اتمام برسانم. اگر عمر مدیریتی من در باشگاه استقلال به ۳ سال برسد به شما قول می‌دهم که از همین زمین، ۳۰ درصد از کل هزینه‌های باشگاه استقلال تامین شود. ما سالی ۵۰۰ میلیون تومان هزینه می‌کنیم تا برای تمرین تیم‌های رده‌های سنی مختلف باشگاه زمین تمرینی اجاره کنیم. خب چرا نباید برای ساخت این زمین هزینه کنم تا بازیکنانم در زمینی که متعلق به خود باشگاه است، تمرین کنند.

قلعه‌نویی یکی از استقلالی‌هایی است که مورد توجه هواداران باشگاه قرار دارد و نام او می‌تواند یکی از چالش‌های بزرگ مدیریت شما در فصل جاری باشد.

ببینید الان امیر قلعه‌نویی لباس سپاهان را به تن دارد و ما در لباس استقلال انجام وظیفه می‌کنیم. پس روشن است که ما تحت هر شرایط به دنبال پیروزی بر سپاهان باشیم. دوستی من و امیر قلعه‌نویی محفوظ است، اما رقابتمان هم جای خود قرار دارد. به همین خاطر من بیشترین پاداش را برای پیروزی استقلال مقابل سپاهان خواهم داد، حتی بیشتر از پیروزی بر پرسپولیس در دربی.

اگر بپذیرید که در دو دوره قبلی مدیریت‌تان در باشگاه استقلال اشتباهاتی هم داشته‌اید، در سومین دوره مدیریت در باشگاه استقلال چه متدهایی را در برنامه کاری‌تان قرار خواهید داد؟

احساساتم را کنار گذاشته‌ام و دیگر نمی‌خواهم با نزدیک‌ترین دوستان هم رودربایستی داشته باشم. تجربه‌ای که از دو دوره مدیریت قبلی در باشگاه استقلال برای من مانده این است که کار حرفه‌ای و داشتن نگاه احساسی به مسائل با یکدیگر منافات دارد.

استقلال ایده‌ال فتح‌الله‌زاده را چه زمان می‌توانیم ببینیم؟

اگر یک فرصت ۳ ساله به من بدهند، به شما قول می‌دهم ۳ سال دیگر استقلال را در فینال جام باشگاه‌های آسیا ببینید. اگر این اتفاق نیفتاد همین جا اعلام می‌کنم من ضعف داشته‌ام و دیگر به استقلال برنخواهم گشت. هدف ما قهرمانی استقلال در آسیاست، چون من با استقلال چند قهرمانی در ایران را تجربه کرده‌ایم و دیگر نمی‌توانم هوادار باشگاه را با تکرار این عناوین داخلی، از ته قلب خوشحال کنم. من می‌خواهم استقلال قهرمان آسیا شود، اما مطمئن نیستم که این فرصت در اختیارم گذاشته می‌شود یا خیر.

یعنی شما بر این باورید که اگر یک فرصت ۳ ساله داشته باشید، استقلال را قهرمان آسیا می‌کنید؟

من نگفتم قهرمان آسیا، اما مطمئن هستم این تیم را به فینال لیگ قهرمانان آسیا می‌برم. من حتی می‌گویم اجازه بدهید ۳ سال در استقلال مدیریت کنم، اگر موفق نشدم حاضرم نیمی از کل هزینه‌های باشگاه در این ۳ سال را به عنوان جریمه از جیب خودم پرداخت کنم.

به نظر می‌رسد شما از این که چنین فرصتی در اختیارتان قرار نخواهد گرفت، مطمئنید که این‌گونه با شهامت از پرداخت جریمه چندمیلیاردی صحبت می‌کنید!

نکته همین جاست (می‌خندد).

خیلی‌ها معتقدند فتح‌الله‌زاده از کنار استقلال به خیلی جاها رسیده است. این که شما هر بار به شکل بدی از تیم کنار گذاشته می‌شوید و دوباره برمی‌گردید، شاید به زعم همین منتقدان دلیلی بر ادعایشان باشد. در پاسخ به این منتقدان چه حرفی برای گفتن دارید؟

اگر استقلال چیزی دارد که ما را به جایی می‌رساند، پس چرا خودش این همه بدهی دارد؟ مگر می‌شود از باشگاهی پول برد که خودش در بدهی غوطه‌ور است؟ باشگاه استقلال درآمد مشخصی دارد، هزینه‌هایش نیز مشخص است و سازمان بازرسی کل کشور هم نظارت دقیقی روی دخل و خرج آن دارد. در چنین شرایطی چطور می‌شود از کنار باشگاه به جایی رسید؟ اینها همه‌اش تهمت است و اگر کسی در این مورد ادعایی دارد باید با سند و مدرک حرف بزند. اگر من عاشق استقلال هستم و برای خدمت به این باشگاه می‌آیم، مستحق نیست که به من چنین تهمت‌هایی زده شود.

من کار اقتصادی می‌کنم و حساب و کتاب کارم نیز مشخص است. به بازرسی کل کشور هم اجازه می‌دهم که بیاید درآمدهای من را در ۲۰ سال گذشته بررسی کند، اما به این شرط که اگر خلاف اتهامات ثابت شد آن را نیز اعلام کنند. کسی که از جیب خودش برای باشگاه خرج می‌کند را انگ دزد می‌زنیم، اما کسانی که دزدی می‌کنند را رها کرده‌ایم به امان خدا. این واقعا بی‌انصافی است.

شما خودتان برای مدیریت در باشگاه استقلال هیچ تضمینی از رئیس سازمان تربیت بدنی نگرفته‌اید، می‌خواهیم بدانیم چه تضمینی به پرویز مظلومی داده‌اید که با آرامش کامل در استقلال کار کند؟

بنده اگر تضمین داشته باشم که ۴ سال مدیرعامل استقلال باقی خواهم ماند، همین امروز روی کاغذ می‌نویسم که دست به آقای مظلومی نمی‌زنم و من هم به او فرصتی ۴ ساله می‌دهم تا تیمم را بسازد. ولی وقتی خودم را هیات مدیره در هفته چهارم برکنار می‌کند، چطور می‌توانم خلاف نظر آنها از مربی تیمم حمایت کنم؟ اگر سرپرست باشگاه بمانم، تیم سیزدهم هم بشود از مظلومی حمایت خواهم کرد، اما فردا روزی اگر هیات مدیره استقلال تشکیل شود، دیگر همه اختیارات با من نیست.

پس مظلومی هم مثل شما هیچ تضمینی برای کارش ندارد؟

من به پرویز مظلومی اطمینان خاطر داده‌ام که برای مدت ۲ سال سرمربی استقلال خواهد بود، اما اتفاقات فوتبالی قابل پیش‌بینی نیست. مثلا اگر ما با مظلومی به دسته دوم سقوط کردیم آیا باز هم می‌توانم از این مربی حمایت کنم؟ تنها چیزی که می‌توانم با اطمینان بگویم این است که هیچ وقت در مورد سرمربی تیمم نتایج یک یا چند بازی را ملاک قرار نمی‌دهم و فقط عملکرد داور را بار تبه‌ای که در پایان فصل به دست می‌آوریم خواهم سنجید.

شما در ابتدای مصاحبه عنوان کردید استقلال امسال ایده‌ال شما نخواهد بود. همین اظهار نظر می‌تواند در میان میلیون‌ها هوادار استقلال موجی از ناامیدی را ایجاد کند و چنین تعبیر شود که فتح‌الله‌زاده از هم‌اکنون به دنبال توجیه ناکامی استقلال است. به عنوان آخرین سوال چه وعده‌ای به هواداران استقلال می‌دهید؟

من اگر گفتم این استقلال ایده‌ال من نیست، به این خاطر بود که نه فرصت کافی برای جذب بازیکن وجود داشت و نه زمان مناسب برای آماده‌سازی تیم. با این حال مطمئن هستم همین استقلال از ابتدای نیم‌فصل دوم همان بازی‌هایی را انجام خواهد داد که هواداران انتظارش را دارند. البته این گونه نیست که فکر کنند ما در نیم‌فصل اول خودمان را برای هر نتیجه بدی آماده کرده‌ایم، نه. من همین جا به هواداران استقلال قول می‌دهم در پایان نیم‌فصل اول هم، تیمشان یکی از ۳ تیم برتر جدول باشد.

عکس‌ها: بهمن صادقی / جام جم

از لابه‌لای صحبت‌های سرپرست باشگاه استقلال

- امسال هم شرایط آن طور نیست که باب میل من باشد، چرا که وقتی ۱۴ بازیکن از تیم می‌روند و من تنها می‌توانم ۶ بازیکن جذب کنم، عملا امکان پر کردن تمام نقاط ضعف موجود نیست.
- در فوتبال ما آنهایی که با تک ماده نمره قبولی گرفته‌اند می‌آیند و به آنهایی که معدل ۱۹ دارند می‌گویند شما کنار باش. ما از اینجاهاست که ضربه می‌خوریم.
- در فوتبالی که مدیرعامل باشگاه را هفته چهارم عوض می‌کنند چه کار می‌توان کرد.
- اگر ما ثبات مدیریت داشته باشیم و به باشگاه‌هایمان بها بدهیم با همین پتانسیل موجود در فوتبالمان می‌توانیم جهانی شویم.
- من اعتقاد ویژه‌ای به رسانه‌ها دارم و افتخارم هم این است که ۱۵ سال در مدیریت فوتبال حضور داشتم و تنها یک بار از یک نشریه شکایت کردم.
- بنده قهرمان فرمول یک هستم، اما وقتی از من می‌خواهند با یک بچه مسابقه بدهم با این شرط که من با ژیان حرکت کنم و آن بچه با بی.ام.و، مشخص است که موفق نخواهم بود.
- تا اصول خصوصی‌سازی در تمام باشگاه‌های ما اجرا نشود و تا مدیران واقعی بر مسند مدیریت فوتبال ننشینند، هیچ چیز در این فوتبال سر جای خودش نخواهد بود.
- شما فکر می‌کنید اگر استقلال هیات مدیره داشت، آیا من می‌توانستم استقلال را در ۲۵ ـ ۲۰ روز ببندم. والله نمی‌شد. من همان روزی که از دکتر سعیدلو حکم سرپرستی باشگاه استقلال را گرفتم، با وجود آن که در باکوی آذربایجان بودم از همانجا سرمربی استقلال را معرفی کردم.
- اگر عمری باشد و من سال‌ها در استقلال مدیریت کنم، حسن روشن گزینه بعدی من برای مربیگری در استقلال خواهد بود.
- شما دیدید من یک سال و نیم از استقلال بیرون بودم، اما حتی یک بار هم برای این تیم حاشیه درست نکردم.
- کل هزینه‌هایی که من در دوره مدیریتی قبلی برای کانون هواداران انجام دادم با توجه به اسناد موجود، ۴ میلیون تومان بوده که آن هم مربوط می‌شود به هزینه‌های رفت و برگشت آنها. اما در همین ۲ سال گذشته ۱۰ برابر این مبلغ برای لیدرهای باشگاه هزینه شده است!
- من ۱۰ بار برای گفتگو با آقای سعیدلو به سازمان تربیت بدنی رفته‌ام، اما تا به حال عکسی از من در این باره در روزنامه‌ها ندیده‌اید.

جام جم ONLINE
متن کامل این گفتگو را در سایت جام جم آنلاین بخوانید